

تجربی کلمات

کلمات هم‌معنی

داخل: درون

برمی‌چینند: می‌داشتند

مقداری: اندکی

گلدسته: مناره

چلچراغ: لوسترهای چند شاخه‌ی بزرگ

جمعیت: عده‌ای از مردم

کلمات مخالف

پاشید = نپاشید، جمع کرد

مرتّب = نامرتّب

آرام = ناآرام، شلوغ

نزدیک = دور

پُرکار = کم‌کار

گل‌های شاداب = گل‌های پژمرده

زیر = رو

اول = آخر

پاشید: ریخت

زیر لب: آهسته حرف زدن

اذان: اعلام وقت نماز

حرم: دور مزار امامان

میان: بین، وسط

تماشا کرد: نگاه کرد

داخل = خارج

بلند = کوتاه

زیبایی = زشتی